

توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی

(قسمت چهاردهم)

مهاجرین هندی در کابل و دشواری های دولت امانی

جریده "اتحاد مشرقی" در شماره اول جوزای ۱۲۹۹ (۲۲ می ۱۹۲۰) اطلاع داد که اولین دسته مهاجرین بتاریخ ۲۶ ماه ثور تحت رهبری سید سکندر شاه و دومین دسته بتاریخ ۲۸ ماه ثور تحت رهبری شیخ عبدالحق ساحل باشنده ملتان از پشاور به جلال آباد رسیدند. همین جریده در شماره ۱۲ جوزای ۱۲۹۹ مطابق با ۲ جون ۱۹۲۰ از رسیدن شش کاروان مهاجرین به جلال آباد اطلاع داده نوشت که این مهاجرین تحت رهبری مولوی شهاب الدین به تاریخ ۷ جوزا (۲۷ می) به جلال آباد رسیده و دو روز بعد بطرف کابل حرکت کردند. جریده ادامه میدهد که هدایات لازم برای آنده از برادران هندی ای که میخواستند به افغانستان هجرت کنند ارسال شده و امیدواریم که کمیته های هجرت در دهلی، راولپندی، و پشاور و آقای غلام محمد عزیز (خادم المهاجرین) آنرا در نظر گرفته و روزنامه های معاصر هندی آنرا وسیعاً نشر کنند. مهاجرین باید از هدایاتی که توسط خادم المهاجرین در شماره ۲۶ می جریده "همدم" داده شده است، پیروی کنند.

جریده همچنان تحت عنوان "بیست و پنج هزار مهاجر از سند" ادامه میدهد که کمیته هجرت سندھ بعد از اجلاس به سکرتر سیاسی حکومت بمبی تلگرام داده است که بنا بر مداخله انگلیس ها در امور مذهبی ما و خلافت، آنها تصمیم گرفته اند به افغانستان مهاجرت کنند و بیست و پنج هزار (۲۵۰۰۰) نفر آماده به کابل بروند. (۱).

در اول تعداد مهاجرین کم بود، اما به تدریج زیاد شده رفت. شماره ۲۸ جریده "اتحاد مشرقی" از رسیدن دسته های بیشتر مهاجرین به جلال آباد اطلاع داده در سر مقاله اش نوشت که مهاجرین نباید به سخاوت ننگرهای ها در فراهم آوری وسایل سفر از جلال آباد به کابل اتکا کنند، چون منابع آنها محدود میباشد. این مقاله بر دشواری های پافشاری میکند که در راه مهاجرین مشتاق ولی تهی دست وجود دارد. شماره ۱۹ جوزای ۱۲۹۹ مطابق ۹ جون ۱۹۲۰ هم از رسیدن هفت کاروان مهاجرین از راه مهمند و کامه اطلاع داده از همکاری ها و مهمان نوازی های مردم کامه، و کمک های غازی سردار خان و غازی محصل خان بصورت خاص گزارش میدهد.

به همین ترتیب شماره ۴۶ (۵ اگست ۱۹۲۰) اتحاد مشرقی از رسیدن کاروان های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم مهاجرین اطلاع داده نوشت که ده نفر آنها به اثر گرمای شدید در راه جلال آباد و کابل فوت نمودند. جریده مینویسد که در کاروان شانزدهم تحت رهبری مولوی احمد علی خان لاهور پنج هزار (۵۰۰۰) مرد شامل بود.

اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، یادداشت شماره ۳۴ شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفته نزددهم اگست ۱۹۲۰، تعداد مهاجرینی را که تا آن وقت به افغانستان آمده اند بیش از پنجاه هزار نفر نشان داده میگوید که بعد از این آنها نمیتوانند از کمک های حکومت افغانستان استفاده کنند. حکومت به آنها گفته است که یا به ترکستان و بخارا بروند، و یا به هندوستان بر گردند.

دولت امانی برای تنظیم امور مهاجرین هندی نظامنامه مهاجرین را ترتیب نمود. درین نظامنامه که بتاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۰۲ (۱۰ جولای ۱۹۲۳) در یکهزاروپنچصد جلد به لسان های دری و پشتو در مطبعه دائره تحریرات مجلس عالی وزرا نیز طبع گردیده است شرایط قبول مهاجرین، مسئولیتها و وظایف رسیدگی به امور مهاجرین، و صورت اسکان مهاجرین ذکر گردیده است (۲):

در ماده پنجم این نظامنامه ذکر شده است که "مهاجرین که به دولت علیه افغانستان مراجعت میکنند در باره آنها تحقیقات لازمه بعمل آورده میشود. بعد از نتیجه تحقیقات اگر حکومت مهاجرت آنها را لازم قبول نداند از خاک افغانستان خارج میشوند".

در ماده ششم این نظامنامه میخوانیم که "برای کسانی که بقسم التجا در ممالک افغانستان مراجعت مینمایند و تذکره تابعیت افغانستان را نگیرند بطور مسافرت در افغانستان حق اقامت داده میشود. اما از حقوق مهاجرت استفاده و از

حکومت جای و سائر معاونت طلب کرده نمیتوانند و در باره اینطور اشخاص مثل دیگر تبعه خارجه مطابق قواعد دولیه معامله کرده میشود، و از حقوق تبعای افغانستان استفاده کرده نمیتوانند".

در ماده هشتم میخوانیم که "از میان مهاجرین کسانی که ادعای تابعیت اجنبی را میدارند از تابعیت افغانستان خارج و از خاک افغانستان کشیده میشوند. و کسانی که از طرف افغانستان پیسه و زمین گرفته باشند پیسه و زمین مذکور نیز واپس گرفته میشود".

در ماده دهم میخوانیم که "در هر نایب الحکومه گی و یا حکومتی اعلی در زیر ریاست نایب الحکومه و یا حاکم اعلی عندالاقضا یک مجلس مهاجرین موجود میشود، علاوه بر وکلای مهاجرین اعضای طبیعه و اعضای منتخبه مجالس مشاوره و مدیر نفوس اعضای مجلس مذکور هستند.

در ماده پانزدهم میخوانیم که "برای مهاجرین که جدید آمده باشند از طرف حکام مؤقتاً بطور مسافرت جایهای مناسبه مشخص کرده میشود".

در ماده شانزدهم میخوانیم که "مهاجرین مذکور از طرف داکتر و یا طبیب معاینه کرده میشوند. کسانی که مریض میباشند در شفاخانه های حکومت تحت تدوی گرفته میشوند".

در ماده هفدهم ذکر شده است که "برای مهاجرین که از خارج می آیند از سرحد دولت علیه افغانستان الی محل که برای سکونت شان تعیین میشود کرایه و بارگیر از طرف حکومت داده میشود. اعاشه و خوراکه مهاجرین تا رسیدن فصل بخود شان تعلق دارد تنها برای اشخاص ضعیف و سالخورده نادر و اطفال خورده سال که از خود ولی نداشته باشند و زنهائیکه بی سرپرست باشند از طرف دولت خوراکه داده میشود".

دولت امانی با امکانات محدودی که داشت برای اکثریت مهاجرین که دهقان بودند، مطابق تعداد افراد عایله آنها زمین های زراعتی دولتی را که برای معشیت یکساله کفایت کند یا بصورت مجانی و یا به اقساط طویل پانزده و بیست ساله داد. این دهاقین بر علاوه فی جریب شش سیر تخم گندم و پنج روپیه نقد، تا رسیدن فصل برای افراد بالغ خانواده ماهانه پنج سیر آرد و برای کودکان ماهانه سه سیر آرد دریافت نموده زمین هایشان تا سه سال از تأدیة مالیه معاف بود. دولت همچنان برای خرید گاو قلبه و تهیه سامان آلات آنها چهل روپیه نقد، و چهل سیر گندم و چهل سیر جو و جواری و برای اعمار و آبادی جای سکونت مهاجرین چوب پوشش را تهیه کرد. دولت برای پیشه وران و صنعتکاران مهاجر بعوض زمین ترتیبات تهیه آلات و افزار مورد احتیاج شان را فراهم کرد.

چون انگلیس ها مسلمانان هند را به هجرت به افغانستان بیشتر تشویق میکردند، و اقتصاد افغانستان امکانات رفاه مهاجرین بیشتر را فراهم کرده نمیتوانست، لذا غازی امان الله خان به توافق کمیته مهاجرین هندی، به تاریخ ۹ ماه اگست ۱۹۲۰ امر تعویق مهاجرت را صادر کرد و تا فراهم ساختن امکانات رفاهی به مهاجرین موجود از آمدن مهاجرین جدید ممانعت کرد. و این نقطه پایان جنبش ناکام مهاجرت بود. جنبشی که بعضی ها آنرا یک جنبش مصنوعی خوانده اند.

ترکیب مهاجرین هندی

هجرت به افغانستان تنها انگیزه دینی نداشت. در بین مهاجرین هندی بر علاوه مسلمانان، مهاجرین هندو مذهب نیز شامل بودند. مثلاً در یک راپور استخبارات انگلیس برای هفته اول ماه اگست گزارش داده شد است که به تاریخ دوازدهم ماه جولای ۱۹۲۰ حدود هفتصد (۷۰۰) نفر مهاجر مسلمان و یکصد و ده (۱۱۰) نفر مهاجر هندو از سند به پشاور رسیده اند (۳). در یک گزارش دیگر آمده است که غازی امان الله خان بعد از توافق کمیته خلافت پشاور طی فرمانی به شخصی بنام فقیر محمد آرتی هدایت داد که با توجه به تعداد کثیری از هندوان مهاجر، مسلمانان از ذبح گاو در روز های عید خودداری کنند.

حالت زار و بسیار بد اقتصادی دهاقین هند هم یک علت عمده مهاجرت را تشکیل میداد. تبلیغات هجرت نسبت به مناطق روستائی پنجاب که وضع اقتصادی در آن بهتر بود، در مناطقی چون اترپردیش، سندھ و سرحد آزاد، جائیکه وضعیت اقتصادی دهاقین بیشتر خراب بود، مؤثر تر بوده توجه مردم را جلب نمود. از همین سبب قسمت اعظم مهاجرین را کسانی تشکیل میداد که دورنمای بهتر سرنوشت اقتصادی در افغانستان آنها را به هجرت واداشته بود.

دربین مهاجرین گروه کوچک جنگ طلبان مسلمان هم بودند که میخواستند برای شرکت در جنگ برای خلافت از طریق افغانستان به ترکیه بروند. و برای یک عده دیگر هجرت فرصت مناسبی بود که به خارج رفته و به کمک نیروهای دوست خارجی راه های وارد کردن ضربات به انگلیس ها را در هند جستجو کنند (۴).

گزارش های استخبارات انگلیس نشان میدهد که غازی امان الله خان از موجودیت جاسوسان در جامعه مهاجرین هم آگاه بود. مثلاً وی امر کرده بود که به مهاجرین هندی اجازه دخول در دربار روز عید داده نشود، چون او مشکوک است که در بین آنها جاسوسان فرستاده شده حکومت هند بریتانوی نیز موجود اند (۵). قابل یادآوریست که تلاش های از بین بردن غازی امان الله خان از آغاز سلطنت تا آخر عمر در غربت، بدون آنکه بغیر از چند مورد محدود در مطبوعات و یا آثار مؤرخین افغان و خارجی ذکر شده باشند، ادامه داشته است. به استناد راپور های استخبارات انگلیس و اسناد موجود در آرشیف دفتر هند بریتانوی در هژده (۱۸) ماه اول سلطنت، غازی امان الله خان هدف پانزده (۱۵) مورد سنو قصد ناکام قرار گرفته است. در یادداشت شماره ۳۵ دفتر استخبارات ایالت سرحدی شمال مغربی برای هفته که بتاریخ ۲۶ اگست ۱۹۲۰ ختم شده است ذکر گردیده که " تلاش دیگری برای کشتن امیر صورت گرفت، حدود پانزدهمین تلاش. بصورت عمومی انتظار می رود که در مدت کوتاهی عنایت الله جایگزینش خواهد شد".

پی آمد مهاجرت هندی ها به افغانستان

از جمله مهاجرین حدود ۷۵ در صد بشمول خان عبدالغفار خان و ارباب رضا خان پشاور دوباره به خانه هایشان برگشتند. مهاجرینی که در کابل و جاهای دیگر مسکن گزیدند، از کمک و همکاری مردم و دولت قدرانی کردند. غازی امان الله خان به یک عده از تحصیل کردگان خانه و هزینه زندگی را آماده ساخت. یک تعدادی را در مؤسسات مختلف دولتی استخدام کرد، تعدادی هم به قوای نظامی جذب شدند. برخی ازین مهاجرین در رژیم های بعدی به پست های بلند رتبه دولتی تعیین، در فعالیت های سیاسی سهیم و حتی به رتبه های جنرالی رسیدند. و بلاخره یک تعداد هم رهسپار ترکیه شدند، و چون به ترکیه رفته نتوانستند، به ترکستان روسی (فعلاً ازبکستان) رفتند، و عده زیاد آنها به حزب کمونسنت هند در تاشکند و مسکو پیوستند (۶).

فعالیت های مثبت و منفی مهاجرین و آزادیخواهان هند در افغانستان

انقلابیون و آزادیخواهان هندی از زمان امیر حبیب الله خان به افغانستان پناهنده میشدند. به گفته ریه تالی ستیوارت، مؤلف کتاب "آتش در افغانستان"، "امیر حبیب الله خان با آنها رابطه مؤدبانه داشته و آنها را تحت مراقبت و نظارت قرار داده بود تا از اساسات پناهندگی سیاسی عدول نورزیده [موجب خشم انگلیس ها نشود]. اما غازی امان الله خان که در وقت پدر به صفت شهزاده با انقلابیون رابطه نزدیک برقرار کرده بود، حالا به صفت پادشاه کشور رابطه خود را با آنها دوام میداد (۷). رابطه که عامل دیگر تشنج بین انگلیس ها و غازی امان الله خان و انگیزه دیگری برای توطئه های بیشتر علیه دولت امانی بود.

در دوران جنگ جهانی اول گروه های کوچک متعدد انقلابیون و آزادیخواه هندی در اروپا، شرق دور، و ایالات متحده امریکا فعالیت داشتند. آنها کوشیدند با استفاده کمک های مالی آلمان اسلحه خریده و آنرا طور قاچاق از طریق چین و سیام به هند بریتانوی برسانند، تا در قیام مسلحانه که یکجا با سرکشی قوای نظامی در ماه فبروری ۱۹۱۵ در نظر گرفته شده بود، مورد استفاده قرار گیرد. اما این اسلحه به هند نرسید و سرکشی قوای نظامی، به استثنای طغیان عسکری سینگاپور در نطفه خنثی شد.

در مرحله بعدی هیئت نظامی ترکی - آلمانی با همراهی انقلابیون هندی به کابل آمده حکومت مؤقت هند (حکومت عبوری هند در تبعید (۸)) را بنیاد نهاده، کوشید تا یک راه زمینی را از طریق ایران و افغانستان باز کنند. آنها پلان داشتند تا به کمک امیر حبیب الله خان و اقوام سرحد آزاد یک قیام ضد انگلیسی را در هند بریتانوی براه انداخته و با اعلام جهاد در سرتاسر شبه قاره هند ارتش هند بریتانوی را فلج سازند. اما این پلان آنها نیز به ناکامی انجامید.

بعد از شکست و تسلیمی آلمان انقلابیون هند برای کمک به روسیه روی آوردند. این کار مورد استقبال روسیه که برای صدور انقلاب به آسیای میانه و هند آمادگی میگرفت، قرار گرفت. سفیر روسیه، سوریتس Suritz، در ماه دسمبر ۱۹۱۹ به همراهی راجا مهندرا پرتاب، عبدالرب و تیرومل آچاریا وارد افغانستان شدند.

یاکف (یعقوب) سوریتس سفیر و نماینده تام الاختیار روسیه در کابل یک حزبی آزموده شده و مورد اعتماد لنین بود که وظیفه مهم و پر مسئولیت بستن پیمان نظامی علیه بریتانیا با افغانستان و تحکیم موقف روسیه درین "چهار راه آسیا"

را بعهده داشت. چون روسیه میخواست از افغانستان بحیث تخته خیز برای صدور انقلاب به آسیای میانه و هنداستفاده کند، در اعتمادنامه سوریتس آمده بود که "بحیث سفیر فوق العاده و نماینده تام الاختیار روسیه شوروی در آسیای میانه گماشته می شود و وظایفی که به وی سپرده می شود، تأمین مناسبات دیپلماتیک با خلق های مستقل بلوچستان، خیوه و بخارا و خلق های هند، کشمیر و تبت که به خاطر آزادی می رزمند، است. به رفیق سوریتس از سوی حکومت کارگری- دهقانی صلاحیت داده می شود مناسبات مستقیمی با کشورهای موجود و حکومت رو به تشکل و همه سازمان های انقلابی دارای هدف رهایی خلق های آسیای میانه از تصاحب خارجی برپا نمایند. او صلاحیت دارد نمایندگان خویش را خود بگمارد. وارد گفتگوهای مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق نمایندگان خود شود و موافقت نامه ها و اسنادی را از نام حکومت کارگری- دهقانی با تأیید حکومت مرکزی در مسکو با آن ها امضاء نماید" (۹).

تروتسکی، رهبر منشویک ها در نامه تاریخی ۵ اگست ۱۹۱۹ خود به کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (شاخه بلشویکی) نوشت که "در لحظه کنونی، راه به سوی هند برای ما می تواند نسبت به «مجارستان شوروی» بیشتر هموار تر و کوتاهتر باشد" (۱۰).

در ماه مارچ ۱۹۲۰ بین هندیان انقلابی در کابل اختلاف نظر و دوپارچگی بوجود آمد. دسته اول به رهبری راجا مهندرا پرتاب و مولانا عبیدالله سندھی طرفدار تبلیغات پان اسلامیستی بودند و دسته دوم طرفدار تبلیغات بلشویکی، که توسط آچاریا، عبدالرب و رفقایانشان رهبری میشد.

حمایت و دلچسپی غازی امان الله خان از فعالیت های سیاسی هندی های مقیم کابل و در ماه اپریل ۱۹۲۰، فرستادن راجا مهندرا پرتاب در رأس یک هیئت به چین، حمایت از جنبش خلافت در هند، و براه اندازی مظاهره ماه مارچ در همبستگی با مظاهرات جنبش خلافت در هند روابط دوستانه دولت امانی را با مبارزین هند مستحکم تر ساخت. اما غازی امان الله خان در عین حالی که از داعیه آزادیخواهان هند پشتیبانی و حمایت میکرد، نمیخواست فعالیتهای ضد انگلیسی مبارزین هند در کابل از کنترل خارج و تحت کنترل روس ها قرار گیرد. در حقیقت او نمیخواست روس ها در امور افغانستان نفوذ داشته باشند، و افغانستان به مرکز فعالیتهای ضد انگلیسی مبارزین هندی ایکه از روسیه دستور میگرفتند، تبدیل شود، لهذا از عبدالرب و آچاریا خواست که کابل را ترک بگویند.

قابل یادآوریست که ادعای ظفر حسن ایبک، یکی از شاگردان فراری هند در کابل که مدتی هم بحیث سکرتر مولانا عبیدالله سیندهی وزیر داخله حکومت موقت هند در تبعید ایفای وظیفه میکرد، مبنی بر اینکه "افغانستان با بدست آوردن استقلال خویش، با مسایل هندوستان به خصوص با مسلمانان هند که قربانی و ایثار فراوانی نموده بودند، با بی اعتنائی برخورد کرد" کاملاً یک ادعای غرض آلود بوده، بر هیچ نوع سندی استوار نیست.

(ادامه دارد)

یادداشت ها و مأخذ

۱. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، ضمیمه شماره یک یادداشت شماره ۲۵ شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفته ۱۷ جون ۱۹۲۰.

۲. آقای غبار در جلد اول افغانستان در مسیر تاریخ صفحه ۸۰۱ به نظامنامه هشت فقری اشاره نموده اند که اشتباه میباشد. شاید مقصد آقای غبار هدایت نامه هشت فقره حکومت امانی باشد که برای رهنمائی مهاجرین قبل از حرکت بطرف افغانستان به نشر رسیده بود.

۳. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، یادداشت شماره ۳۲ شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفته پنجم اگست ۱۹۲۰.

۴. Qureshi, M. Naeem. The "Ulema" of British India and the Hijrat of 1920، ص ۵۲.

۵. اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، یادداشت شماره ۲۹ شعبه استخبارات ایالت سرحدی شمال غربی برای هفته پانزدهم جولای ۱۹۲۰.

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درېنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

۶ . هرکیشن سينگه سورجيت : هفتادو پنجمين سالگرد تاسيس حزب کمونيست هند. شماره اول، جلد دوم نشریه مارکسيست (جنوری - مارچ ۱۹۸۴).

۷ . ستیوارت، ریه تالی/ترجمه کوهسار کابلی، یار محمد (۱۳۸۰)، ص ۲۳۵.

۸ . حکومت مؤقت هند ابتدا سه عضو داشت که عبارت بودند از راجا مهندرا پرتاب - رئیس، مولوی برکت الله - صدراعظم و مولانا عبیدالله سیندهی - وزیر داخله، افراد دیگر از جمله مشاورین بودند. اما در دوره امانی بعد از جنگ استقلال، تعداد اعضا افزایش یافت ، که در آن جمله مولانا بشیر، رهبر جماعت مجاهدین در سرحد آزاد قابل ذکر است . (مولانا عبیدالله سندهی کی سرگذشت کابل، ص ۱۲۴).

۹ . مناسبات افغانستان و شوروی، ۱۹۶۹ - ۱۹۱۹، مسکو، ۱۹۷۱، صفحات ۱۳-۱۴، به نقل از تیخانف، داکتر یوری - ترجمه عزیز آرانفر (۲۰۱۰) ، ص ۴۶.

۱۰ . نامه ترتسکی به کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (شاخه بلشویکی) ، به نقل از تیخانف.